

امپراتوری هخامنشیان چگونه شکل گرفت؟

پس از قدرت گرفتن کوروش هخامنشی وی در چهاردهم اکتبر سال ۵۳۹ قبل از میلاد در پرستش‌گاه بابل تاج‌گذاری کرد. از این زمان بود که پادشاهی سلسله هخامنشیان آغاز شد و حکومت شاهنشاهی در ایران بنیان‌گذاری شد.



پس از قدرت گرفتن کوروش هخامنشی وی در چهاردهم اکتبر سال ۵۳۹ قبل از میلاد در پرستش‌گاه بابل تاج‌گذاری کرد. از این زمان بود که پادشاهی سلسله هخامنشیان آغاز شد و حکومت شاهنشاهی در ایران بنیان‌گذاری شد.

خبرگزاری فارس - سلسله هخامنشی یا هخامنشیان (330-559 قبل از میلاد) قدرتمندترین امپراتوری جهان باستان محسوب می‌شود.

هخامنشیان در بیش از 200 سال حکومت خود بیش از 2 میلیون مایل مربع (5 میلیون و 200 هزار کیلومتر مربع) از زمین را فتح کردند. حکومت هخامنشی بزرگ‌ترین دولتی بود که تا آن زمان تشکیل شده بود و در امپراتوری هخامنشی 46 نژاد مختلف با مذاهب و زبان‌های گوناگون زندگی می‌کردند.

پادشاهی هخامنشی محدوده وسیعی از جمله آسیای صغیر، بخش‌هایی از مصر، بخش‌هایی از یونان و بخش‌هایی از هند را در بر می‌گرفت. آن‌چه که به عنوان ایران از آن امپراتوری به جا مانده مانند پلی این قسمت‌های زرخیز را به هم متصل می‌کرد و کاروان‌های تجارتی از شرق به غرب و برعکس از ایران عبور می‌کردند. امپراتوری هخامنشی به مشی عاقلانه در حکومت داری و قدرت نظامی معروف است.

سلسله هخامنشی با حمله اسکندر مقدونی (330 قبل از میلاد) و مرگ داریوش سوم منقرض شد.

بزرگ‌ترین پادشاهان هخامنشی

هخامنش، سردودمان هخامنشیان، در اوایل قرن 7 پیش از میلاد زندگی می‌کرده است اما اطلاعات زیادی درباره زندگی‌اش در دست نیست. از پسر هخامنش، چیش‌پش، دو شاخه پادشاهان هخامنشی به وجود آمدند. پادشاهان شاخه قدیمی‌تر کوروش اول، کمبوجیه اول، کوروش دوم (بزرگ)، و کمبوجیه دوم بودند. پس از مرگ کمبوجیه دوم (522 قبل از میلاد) سلطنت شاخه دیگر با پادشاهی داریوش اول شروع شد.

بزرگ‌ترین پادشاهان هخامنشی به قرار زیرند:

- کوروش دوم یا کوروش کبیر (از 559 تا 529 پیش از میلاد حکومت کرد) در واقع بنیان‌گذار امپراتوری هخامنشی محسوب می‌شود و تاریخ آغاز امپراتوری هم زمان شروع سلطنت او (559 پیش از میلاد) ذکر می‌شود.

- داریوش اول (زمان حکومت 486-522 پیش از میلاد) مدیری کارآمد بود و مرزهای امپراتوری را در مقابل تهدیدات خارجی امن کرد. داریوش را می‌توان بزرگ‌ترین پادشاه جهان باستان خواند. وی ساخت تخت جمشید را شروع کرد.

- خشایارشا (زمان حکومت او 465-486 پیش از میلاد) بسیاری از بناهایی که داریوش بزرگ ساخت آنها را آغاز کرده بود تکمیل کرد.

ارکان حکومت هخامنشی

با تدبیر کوروش کبیر و داریوش بزرگ، امپراتوری هخامنشی در نهایت به بزرگ‌ترین و قدرتمندترین امپراتوری از نظر حکومتی و اجرایی در طول تاریخ بشر تا این لحظه تبدیل شد. درواقع بزرگ‌ترین کار انجام‌شده به وسیله این پادشاهان، خود امپراتوری بود. امپراتوری هخامنشی اولین ابرقدرت جهانی بود و این در حالی است که براساس مدل تحمل و احترام به دیگر فرهنگ‌ها و مذاهب بنا شده بود.

در زمان داریوش اول و خشایارشا، امپراتوری از سمت غرب به مقدونیه و لیبی و از سمت شرق به رود هپاسیس (بیاس) واقع در شمال هند گسترش یافت. همچنین از شمال به کوه های قفقاز و دریای آرال و از جنوب به خلیج فارس و صحرای عربستان بسط یافت.

امپراتوری به استان هایی (ساتراپی) تقسیم می شد و هر ساتراپی به وسیله ساتراپ اداره می شد. کارهای ساتراپ به طور مکرر مورد بازرسی مقامات قرار می گرفت و به طور مستقیم به پادشاه گزارش می شد.

ظاهراً پادشاهان مذهب زرتشتی داشته اند اما تا حدی هم با آن متفاوت عمل می کرده اند. به عنوان مثال برخلاف عقیده زرتشتیان، پادشاهان در مقبره گذاشته می شدند. (زرتشتیان عقیده داشتند نباید جنازه خاک را بیالاید.) همچنین مذهب زرتشتی با وجود این که انتشار یافته بود، مذهب رسمی کشور نبوده است.

شاهان هخامنشی تعصب مذهبی نداشتند و بنابراین هر ملتی را در اعتقاداتشان آزاد می گذاشتند. همه ممالک تابع ایران آزاد بودند براساس اعتقادات مذهبی شان رفتار کنند و مذهب شاهان هخامنشی و اهالی ایران به آنها تحمیل نمی شد. هر مملکتی مختار بود مؤسسات ملی، سلسله امرا و روحانیونش را حفظ کند. اما آن چه باعث وحدت این ممالک می شد اطاعت از اوامر شاه بود. همچنین ممالک باید مالیات های تعیین شده را می پرداختند.

کوروش در همه مناطقی که بر آن مسلط شد و به امپراتوری هخامنشی ضمیمه کرد برده داری را ممنوع کرد. عقاید مهم و اساسی کوروش بعداً بر حقوق بشر جهانی تأثیرات بزرگی به جا گذاشت.

در دوره هخامنشیان روحانیون در دربار نفوذ نداشتند. در میان طبقه اشراف هم 6 خانواده پارسی و 6 خانواده مادی طرف توجه بودند. مشاغل سفارت و سرداری و ولایت ابتدا به خانواده های پارسی و بعد به خانواده های مادی می رسید.

ظاهراً پادشاه بر تمام قضات نظارت داشت. پادشاهان با قضاتی که به ناحق حکم می دادند بی رحمانه رفتار می کردند. همچنین در ازای جنایتی که کسی برای اولین بار مرتکب می شد حکم اعدام داده نمی شد. همچنین عقیده بر این بود که اگر کسی مرتکب کار بدی شده باید در مقابل تقصیر او کارهای خوبش را هم در نظر داشت و اگر کارهای بد او برتری داشت مجازات می شد.

هخامنشیان نیرویی ده هزار نفری به نام لشکر جاویدان داشتند که مسلح و حاضر به خدمت بودند اما در موقع لزوم از اهالی ولایات هم تعداد نیرویی که لازم بود به کار گرفته می شد. این افراد که به صدها هزار نفر بالغ می شدند تعلیم ندیده و با زبان ها و مذاهب و عادات مختلف بودند که در یک جا جمع می شدند و رابطه معنوی با هم نداشتند. به خاطر همین بود که وقتی حمله سختی از سوی دشمن انجام می شد لشکر شکست می خورد و افراد کشته یا متفرق می شدند.

سپاه جاویدان که تعلیم دیده بودند و خوب مسلح شده بودند در قلب لشکر جای می گرفتند و اگر دشمن موفق می شد به صفوف لشکر ایران راه پیدا کند افراد تعلیم ندیده که نمی توانستند پایه پای سپاه جاویدان حرکت کنند مجبور به عقب نشینی می شدند. ظاهراً این یکی از ضعف های ایران در هنگام جنگ با یونانی ها بوده است.

ایرانی ها در زمان هخامنشیان دریانوردان خوبی بوده اند و درمواقع لزوم از فینیقی ها، یونانیان آسیای صغیر و جزیره قبرس نیز استفاده می کردند.

کتیبه های سلطنتی معمولاً سه زبانه بود. این زبان ها عبارت بودند از پارسی باستان، ایلامی و اکدی. زبان آرامی هم در کارهای اداری امپراتوری و مکاتبات دیپلماتیک مورد استفاده قرار می گرفت.

در دوران اوج امپراتوری، فعالیت های ساختمانی گسترده ای انجام گرفت که بناهای پاسارگاد و تخت جمشید احتمالاً برجسته ترین آنها بوده است. نقش برجسته ها و تعداد زیادی از اشیاء هنری کوچک تر، سبک کار قابل توجه آن دوره را به نمایش می گذارد. فلزکاری، به خصوص طلاکاری بسیار توسعه یافته بوده و نمونه های مختلفی از کار فلزکاری با دقت بالا باقی مانده اند.